

شبکه‌ای از روابط مفهومی «حق» در قرآن (آنتولوژی حق در قرآن)

عبدالحمید واسطی*

چکیده

نظریه‌ها، تابعی از دستگاه مولد معرفتی هستند. آنها نیز تابعی از زیرساخت‌های هستی‌شناسانه می‌باشند. برای اکتشاف نظریه‌های قرآن‌بنیان، نیاز به اکتشاف دستگاه مولد معرفت قرآن‌بنیان است و اکتشاف این دستگاه معرفتی نیاز به اکتشاف «هستان‌شناسی» قرآن دارد. کاربردهای مفهوم «حق» در قرآن نشان از نقش مهم آن در هستان‌شناسی قرآنی دارد. این مقاله به دنبال کشف هستان‌شناسی حق در قرآن است (یعنی کشف نوع و کیفیت روابط «حق» با هم‌نشین‌ها و جانشین‌های این واژه) تا بتوان بر اساس آن، زیرساخت‌هایی برای علوم انسانی اسلامی فراهم ساخت. یافته‌های مقاله حاکی از این است که نقطه کانونی در هستان‌شناسی حق، مفهوم «بی‌نهایت» و «خودبنیاد» است و هر فرد یا پدیده یا مفهومی که به آن مرتبط شده باشد و تأثیر در اتصال به آن داشته باشد، صفت «حق‌بودن» را می‌گیرد و براساس آن می‌توان از انسان حق، معرفت حق، روش حق، ارزش حق، دین حق سخن گفت.

واژگان کلیدی: قرآن، حق، معناشناسی، گراف و روابط مفهومی، شبکه روابط، آنتولوژی.

۹
قرآن پژوهی

سال اول / شماره ۳ / بهار ۱۴۰۱

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران؛ (hvaseti@yahoo.com).

مقدمه

دستیابی به یک فرانظریه، نقطه کانونی است که وحدت‌بخش میان نظریه‌های مختلف در علوم انسانی بوده و جهت‌دهنده کلان به روابط میان متغیرهای مختلف تلقی می‌شود و از مأموریت‌های اصلی در فلسفه علوم انسانی است. این‌گونه نظریه‌ها در مقیاس «پارادایمی» (چتر معرفتی حاکم بر کل نظریه‌ها در یک رشته علمی) قرار دارند و با اکتشاف روابط پدیده‌ها در بنیادی‌ترین لایه‌های هستی، انسان، معرفت، روش و ارزش، به فرموله کردن متغیرها می‌پردازند. مرکز ثقل و نقطه کانونی ارتباط میان این محورها به‌عنوان «دال مرکزی» برای پارادایم اکتشاف‌شده در نظر گرفته می‌شود. بر همین اساس برای دستیابی به زیرساخت‌های علوم انسانی اسلامی، نیاز به کشف نقطه کانونی روابط میان دیدگاه دین نسبت به محورهای فوق‌الذکر است.

در این مقاله، با توجه به وزنی که در تعبیر قرآنی نسبت به مفهوم «حق» دیده می‌شود، تلاش شده تا فرضیه‌ای مبنی بر مرکز ثقل بودن «حق» در ارتباطات میان محوره‌های پارادایمی پردازش شود و با جستجوی کاربردهای «حق» در قرآن این فرضیه اعتبارسنجی گردد (در اصطلاح درون دینی، «عرض علی الكتاب» صورت گیرد). یافته‌های تحقیق حاکی از صحت این فرضیه است و مفهوم «حق» در اصلی‌ترین ارتباط خود، با وجود بی‌نهایت الهی مرتبط است و از آنجا شاخص رشد انتزاع می‌گردد و بر اساس آن انواع ارتباط با افکار، احساس و رفتارها، متصف به حق یا باطل می‌شود. اما اینکه شبکه ارتباطی «حق» در قرآن چگونه است؟ و دستیابی به آن چه کارکردی دارد؟ سؤال اصلی این تحقیق است که در مقاله پیش رو به آن پرداخته می‌شود.

در این مقاله، از رویکرد و ابزارهای «معناشناسی رابطه‌ای» استفاده شده که در بستر زبان‌شناسی ساخت‌گرا شکل گرفته است. در دانش زبان‌شناسی و معناشناسی، اصلی‌ترین نظریه، مربوط به تبیین چگونگی شکل‌گیری جملات معنادار توسط متکلم و چگونگی فهم آنها توسط مخاطب است؛ از محوری‌ترین نظریه‌ها در این مورد، نظریه «ساخت‌گرایی» است که توسط «فردینان دوسوسور» صورت‌بندی شده که جوهره آن چنین است: زبان، دارای ساختاری واقعی فارغ از احساس‌ها و تمایلات مردم است و انتقال تمام معانی در درون این ساختار صورت می‌گیرد. هر جزء در زبان، در ضمن یک کل و به‌صورت نظام‌مند قرار دارد که با تشخیص موقعیت آن، می‌توان معنای موجود در متن را رمزگشایی کرد (دوسوسور، ترجمه صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۳-۱۸۷).

در این نظریه، روابط معنایی مختلفی تعریف می‌شود از جمله دو رابطه اصلی «جانمایی و هم‌نشینی». تجربه عرفی نشان می‌دهد که در شکل‌گیری جملات (زنجیره کلمات)، هر کلمه‌ای با

هر کلمه‌ای هم‌نشین نمی‌شود و کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند و معنادار نمی‌شوند؛ بلکه باید ارتباطی متناسب با آنچه در واقعیت وجود دارد بین آنها لحاظ شده باشد تا مورد فهم قرار گیرند یا مقصود خاص متن و مؤلف از جملات استنباط شود. این روابط، معناشناسی رابطه‌ای را شکل می‌دهند. در لایه بعدی از ساختار زبانی، وقتی جمله‌ای با روابط هم‌نشینی پدید آمد، می‌توان کلمات و ترکیب‌های به‌کار رفته در آن را با کلمات و ترکیب‌های مشابه و مرتبط، جایگزین کرد و عملیات «جانشینی» را انجام داد مانند جمله «علی آدم خوبی است.» که کلمات آن می‌تواند به صورت‌های زیر جایگزین شود: «پدر حسن، مرد شریفی است.» یا «همسر فاطمه، انسانی والاست.» و ترکیب‌های مثل زیر می‌توانند جایگزین آن بشوند: «مرد شریفی هست که نامش علی است.» یا «اگر خوبی را می‌خواهی به علی نگاه کن.» بر این اساس می‌توان برای تعریف رابطه «جانشینی» چنین گفت: «رابطه معنایی میان کلماتی که در یک زنجیره گفتاری به‌کار می‌روند یا ترتیب آن کلمات، با کلمات خارج از آن زنجیره یا ترتیب دیگری از کلمات، به طوری که قابلیت جایگزینی با کلمه یا ترکیب خارج از آن زنجیره وجود داشته باشد.»^۱ (دوسوسور، ترجمه صفوی، ۱۳۷۸). براساس «روابط هم‌نشینی و جانشینی» می‌توان گفت:

۱. سیاق، جهت معنایی تعیین‌کننده نوع ارتباط کلمات در یک گفتار، از حیث هم‌نشینی و جانشینی است.
۲. تحلیل و تفسیر متن، تلاش روشمند برای کشف مراد مؤلف با استفاده از دو ابزار تجزیه و ترکیب در چهار مرحله است: ۱. تجزیه متن به گفتارها و تجزیه گفتارها به قطعات و تجزیه قطعات به جملات و تجزیه جملات به کلمات؛ ۲. به‌کاربردن قاعده «بررسی جانشینی‌ها و هم‌نشینی‌ها» برای کشف روابط میان اجزاء متن؛ ۳. پاسخ به سؤال: هر جمله و هر گفتار، از چه معانی قبلی (اعم از زمینه‌ها و قرائن مرتبط) تغذیه می‌کنند و چه معانی ضمنی و چه لوازم بعدی دارند؟؛ ۴. وزن‌دهی به اجزاء و روابط و قرائن و لوازم، و برآیندگیری از کل عملیات.
۳. قید، شرط، صفت، اضافه، هر مفهومی است که سبب جهت‌دهی به معنای حرف یا کلمه یا جمله یا متن می‌شود تا منظور اصلی گوینده در زنجیره گفتار به‌دست آید، و بسته به نوع جهت‌دهی، «شرط یا صفت یا اضافه» می‌شود و انواعی مانند قید زمانی، مکانی، کمی، کیفی و... پیدا می‌کند.

۱. اصطلاح «هم‌نشینی و جانشینی» در زنجیره‌های گفتاری، متعلق به «فردینان دوسوسور» است؛ برای توضیح بیشتر ر.ک: (دوره زبان‌شناسی عمومی، دوسوسور، ترجمه کورش صفوی، ۱۳۷۸).

در این باره مقاله‌های متعددی منتشر شده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. «وجوه قرآنی حق در نظام آفرینش» (غضنفری و همکار، ۱۴۰۰): ۲. «معناشناسی حق در قرآن کریم و روایات» (اکبری راد، ۱۳۸۹): ۳. «تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساختگرا» (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸): ۴. «تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معناشناسی حق در قرآن و با تأکید بر معناشناسی ساختگرا» (سید خراسانی و همکار، ۱۳۹۸): ۵. «پژوهشی پیرامون واژه «حق» در قرآن با تأکید بر آیه ۷۱ سوره رعد» (یزدانی احمدآبادی و همکار، ۱۳۹۷): ۶. «علامه طباطبایی و اصول هستی‌شناختی برگرفته از لفظ «حق» در قرآن کریم» (خندان و همکار، ۱۳۹۷): ۷. «تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه‌های همنشینی و جاننشینی» (ساسانی و همکار، ۱۳۹۱): ۸. «جایگاه معنایی واژه «حق» در قرآن کریم با محوریت همنشینی واژگان» (مختاری و همکار، ۱۳۹۸). تمایز مقاله حاضر با موارد فوق، در تدوین شبکه روابط براساس آنتولوژی است. جدول ترسیم‌شده در انتهای مقاله، روابط آنتولوژیک را به تفصیل ارائه می‌دهد.

الف. مفهوم‌شناسی

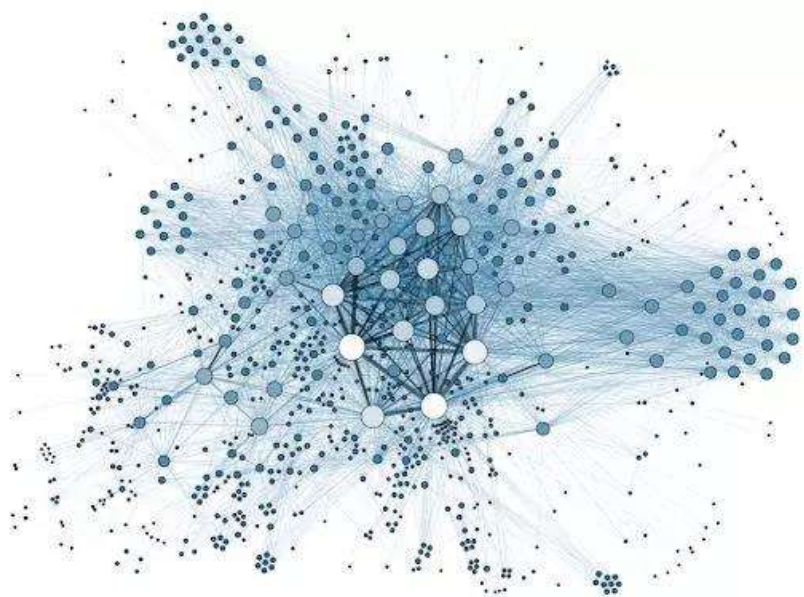
مفاهیم کلیدی در مقاله پیش رو عبارت‌اند از: حق، شبکه ارتباطی و گراف مفهومی، آنتولوژی. در ادامه هر کدام از این واژگان تبیین می‌گردد.

۱. حق

«حق» به‌گونه اجمال چنین تعریف شده است: «الحق هو الثابت بحقیقه معنی الثبوت» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۱۴۶). مقصود از «ثبوت» در امثال این تعابیر، به‌دلیل درج قیودی مانند «بحقیقه معنی الثبوت»، «استقرار فیزیکی یا دوام زمانی» نیست بلکه به‌معنی «خودبنیاد» است. توضیح تفصیلی این مطلب در بدنه بحث ارائه شده است.

۲. شبکه و گراف

«شبکه»، محصول ارتباط منسجم مجموعه‌هاست به‌طوری که دارای یک اثر برآیندی باشند. «شبکه»، هم‌جنس «سیستم» بوده و سیستم، مجموعه‌ای از عناصر است که با برقراری روابط میان آنها یک خروجی به‌دست می‌آید. (حمیدی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۲۳). «گراف مفهومی»، ترسیمی هندسی از روابط در یک شبکه است؛ به‌طوری که نقاط اتصال خطوط ارتباطی (گره‌ها) و تمام خطوط ارتباطی (یال‌ها) و جهت ارتباط و کیفیت ارتباط (وزن‌ها) مشخص شده باشد. تصویر زیر یک نمونه از یک گراف است.



۳. آنتولوژی‌ها (ontology)

آنتولوژی‌ها یا هستان‌شناسی‌ها، ترسیم‌کننده «نقشه هستی» اند که به صورت دسته‌بندی‌های کلان، حداقل چهار مجموعه را نشان می‌دهند: ۱. اجزاء تشکیل‌دهنده «هستی» یا «یک رشته دانشی»؛ ۲. صفات، خصیصه‌ها و حیثیت‌های آنها؛ ۳. انواع روابط آنها با یکدیگر؛ ۴. قواعد پایه‌ای که ساختار اصلی شبکه را شکل می‌دهند. نکته مهم در تمام این موارد، بیان دقیق و بدون ابهام و احتمالات معنایی است که جداکننده از تمام موارد مشابه و مرتبط باشد. هستی‌شناسی‌ها، مراتب دارند و از «هستی‌شناسی بالایی» (upper ontology) که به کلان هستی می‌پردازد آغاز می‌شوند و به هستی‌شناسی‌های خاص که مربوط به رشته‌های دانشی هستند می‌رسد مانند آنتولوژی روان‌شناسی یا آنتولوژی فقه.

خروجی هستان‌شناسی‌ها زیرساخت و چهارچوبی برای تنظیم اطلاعات در رشته‌های مختلف دانشی و طبقه‌بندی‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها، درختواره‌ها و بانک‌های اطلاعاتی هستند (ژاکوب، ترجمه فاطمه شعاعی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹-۱۹۳).

نکته مهم هم در شبکه‌ها، گراف‌ها و آنتولوژی‌ها، «برآیندی» بودن آنهاست که اثرگذاری و اثرپذیری روابط نسبت به یکدیگر، سبب دست‌یابی به یک خروجی یا یک نقطه کانونی می‌شود.

ب. آنتولوژی حق در قرآن

«حق» در لغت دو معنا دارد: ۱. استحکام و استواری (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵)؛ ۲. موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۶)؛ «ح ق ق»، در مصدرهای «حق و حقیقت»، به معنای واقعیت و «صفت حق» که در وصف اعتقاد یا حکمی که با واقعیت مطابقت دارد به کار می‌رود. مشتقات اسمی و فعلی «ح ق ق» بر مفاهیم مختلف مادی و انتزاعی دلالت دارد که مشهورترین این معانی عبارت‌اند از: نقیض باطل، موجود ثابت و انکارناپذیر، نامی برای خدا، وجوب، شایستگی، یقین، نصیب و بهره، خالص و محض هر شیء، وسط شیء، استوار و ظاهرساختن، هر نوع بلوغ و رسیدن (دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۶۳۲۱).

در تعریف اصطلاحی «حق» چنین آمده است: «الحق هو الثابت بحقیقة معنی الثبوت» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۱۴۶)؛ مقصود از «ثبوت» در امثال این تعابیر، به دلیل درج قیودی مانند «بحقیقة معنی الثبوت»، «استقرار فیزیکی یا دوام زمانی» نیست بلکه به معنی «خودبنیاد» بوده و لازمه عقلی هر خودبنیادی، عدم محدودیت است که نیاز به عامل محدودکننده ندارد؛ بنابراین موجود خودبنیاد، موجودی نامحدود و بی‌نهایت است و بقیه موجودات و تمام ابعاد و سطوح واقعیت‌ها مرتبط و تابع او هستند.

کلمه «حق» در ۱۴۰ آیه قرآن کریم (بدون احتساب مشتقات) به کار رفته است که هم‌نشین‌ها و جانشین‌های آن براساس معجم المفهرس عبدالباقی در ذیل ریشه حق، عبارت‌اند از (ساسانی و همکار، ۱۳۹۱؛ سید خراسانی و همکار، ۱۳۹۸):

۱. هم‌نشین‌ها

ردیف	هم‌نشین‌ها	آیه
۱	الله	ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ (حج: ۶۲)
۲	ولایت	هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا (كهف: ۴۴)
۳	تقوی	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۱۰۲)
۴	رسول	كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ (آل عمران: ۸۶)

۵	کتاب	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ (بقره: ۱۲۱)
۶	قدر	وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشَرًا مِّنْ شَيْءٍ (انعام: ۹۱)
۷	وعد	أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (يونس: ۵۵)
۸	جهاد	جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج: ۷۸)
۹	قول	قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ (قصص: ۶۳)
۱۰	یقین	إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (واقعه: ۹۵)
۱۱	اموال	وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (معارج: ۲۴)
۱۲	تبیین	وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ (بقره: ۱۰۹)
۱۳	قصص	إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (آل عمران: ۶۲)
۱۴	معرفت	وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ (مائده: ۸۳)
۱۵	مجیبی	وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (مائده: ۸۴)
۱۶	مولی	ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (انعام: ۶۲)
۱۷	وزن	وَالْوِزْنُ يُومِنُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف: ۸)
۱۸	کلمات الله	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (انفال: ۷)

۱۹	دین	هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳)
۲۰	هدایت و تبعیت	قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ (يونس: ۳۵)
۲۱	مبین	فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (نمل: ۷)
۲۲	حیاء	وَ اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ (احزاب: ۵۳)
۲۳	خشوع	أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ (حديد: ۱۶)

۲. تقابل‌های معنایی

ردیف	تقابل‌های معنایی	آیه
۱	ضلال	فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (يونس: ۳۲)
۲	عذاب	كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا
۳	باطل	وَلَا تَلْسُؤُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۴۲)
۴	اختلاف	فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ (بقره: ۲۱۳)
۵	کتمان	يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْسُؤُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران: ۷۱)
۶	ظن	وَ مَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
۷	تکذیب	وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (انعام: ۶۶)
۸	مجادله	يَجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يُنْظَرُونَ (انفال: ۶)

۹	هوی	وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ (مومنون: ۷۱)
۱۰	سحر	وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (زخرف: ۳۰)
۱۱	بغیر الحق	ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (آل عمران: ۱۱۲) (با هم نشین‌هایی مانند: البغی، الاثم، استکبروا، یفترون، تفرحون، کفروا)

۳. جانشینی‌ها و هم‌معنایی‌ها

ردیف	جانشینی	آیه
۱	جانشینی سلطان	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ (غافر: ۲۲) (در مقایسه با کاربرد مشابه در «حق مبین»)
۲	جانشینی صدق	وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (زمر: ۳۳) (در مقایسه با کاربرد مشابه در «جاء بالحق»)
۳	جانشینی قسط	وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (یونس: ۴۷) (در مقایسه با کاربرد مشابه در قضی بینهم بالحق)
۴	جانشینی هدایت و بیانات	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ (بقره: ۱۵۹) (در مقایسه با کاربرد مشابه در یکتمون الحق)
۵	جانشینی ذکر	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (فصلت: ۴۱) (در مقایسه با کاربرد مشابه در کفروا بالحق)
۶	جانشینی غیب	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (بقره: ۳) (در مقایسه با کاربرد مشابه در یومنون بالحق)
۷	هم‌معنایی با قرآن	فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (یونس: ۷۶)

۸	هم معنایی با صدقه	وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (الذاریات، ۱۹)
۹	هم معنایی با وجوب	وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَ لَكِن حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (سجده: ۱۳)
۱۰	هم معنایی با عدالت	وَالْوِزْنَ يُوزِنُهُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف: ۸)

همه افعال خدا در قرآن از جمله: خلقت آسمانها و زمین و خورشید و ماه تا فرستادن پیامبران، نزول قرآن، نزول فرشتگان، نزول عذاب، محاسبه در روز قیامت و... با تعبیر «بالحق» همراه شده‌اند. در تحلیل موارد مذکور در جدول، به برخی از موارد کانونی پرداخته می‌شود و بر اساس کاربردهای فوق، جدول تحلیل روابط حق در ادامه می‌آید و گراف مفهومی آن نیز ترسیم می‌شود.

در ارتباط «حق» با محور هستی‌شناسی در یک نظام فکری، آیه شریفه زیر از آیات کلیدی است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (لقمان: ۳۰)؛ «علت این امر انحصار حق بودن در خداوند است و اینکه هرچه غیر خدا مورد توجه قرار می‌گیرد باطل است و فقط خداوند است که برترین و صاحب احاطه بر همه چیز است». علامه طباطبایی در تفسیر آن می‌نویسد: «معنی حق بودن خداوند و حصر این حق در وجود او این است که او ذاتا عین واقعیت است و وجود مطلق است که از همه جهات و بدون هر قیدی عین واقع است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۳۶).

همچنین در ذیل آیه شریفه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ يَحْيَى الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (حج: ۶) چنین بیان شده: «مقصود از «حق»، یک ذات و تحقق است نه «حق بودن» به معنای یک صفت؛ یعنی خداوند ذاتی است که عین تحقق و ثبوت است و همه چیز به سبب او تحقق پیدا می‌کند و اراده او همه واقعیت‌ها و نظام هستی را شکل می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۳۴۵).

در ارتباط «حق» با محور معرفت‌شناسی در یک نظام فکری، نیز چنین آمده است: «يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (نور: ۲۵)؛ «در موقف حضور در برابر خداوند، او واقعیت دین را تماما برایشان آشکار می‌سازد و عمیقا می‌فهمند که فقط خداوند عین واقعیت است و واقعیتی آشکار نیز هست». در این آیه، متعلق «علم و معرفت نهایی»، «حق» قرار داده شده است.

همچنین در آیه شریفه «سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۱ (فصلت: ۳۵) متعلق «تبیّن» که از جنس معرفت است، «حق» قرار گرفته است.

در ارتباط «حق» با محور «ارزش‌شناسی» تعبیر وارد شده عبارت است از: «لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا»^۲ (مائده: ۴۸) که بیانگر ضرورت تبعیت اراده‌ها و تمایلات از «حق» است. همچنین آیه ذیل بیانگر مناط هرگونه مشروعیتی است: «الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۸). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «در روزی که حسابرسی صورت می‌گیرد، هر کاری به اندازه تطابقش با حق ارزش خواهد داشت» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۱۱).

نسبت به شبکه‌ای بودن و یکپارچه‌بودن «حق» نیز آیه شریفه «لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ»^۳ (مومنون: ۷۱) دلالت واضحی دارد. علامه طباطبایی در کتاب خود این آیه را تفسیر کرده و می‌نویسد: «ساختاری از خلقت که زندگی انسان را به سوی سعادت می‌برد ساختاری است که منطبق با تمام قوای وجودی او و نیازهای او باشد؛ از سوی دیگر می‌دانیم که این قوا و نیازها مرتبط با کل شبکه هستی (النظام الکونی) هستند و اگر قرار باشد هر کسی در طبق سلیقه و تمایلات خود حرکت کند و واقعا به نتیجه و رشدی برسد باید تمام روابط شبکه هستی را تغییر بدهد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۴۷).

براساس مباحث فوق (به‌ویژه با استفاده از رویکرد معناشناسی رابطه‌ای) جدول^۴ کشف روابط تحلیل «حق» ارائه می‌شود:

۱. ترجمه: ما نشانه‌های روشنی که در آسمان و زمین و در درون آنها هست و به ما راهنمایی می‌کنند را دائم به آنها نشان می‌دهیم تا خوب مشخص شود که فقط خداوند عین واقعیت است.
۲. ترجمه: حقایق برای تو روشن شده است بنابراین تحت تأثیر خیالات و تمایلات آنها قرار نگیر و برای رسیدن به حق، امر و نهی کن، ما عالم را طوری خلق کرده‌ایم که هر قشر و طائفه‌ای منبع و مرجعی برای آگاهی برمی‌گزینند و سبک زندگی‌ای را انتخاب می‌کنند و می‌خواهند به راه خودشان بروند.
۳. ترجمه: اگر قرار بود تمایلات و خیالات هر کسی بیانگر واقعیت باشد، به سبب تفاوت و تفرق آنها، هستی و تمام موجودات متلاشی می‌شدند.
۴. این جدول به‌طور خاص برای متخصصان هوش مصنوعی که براساس پیکره‌ها برنامه‌نویسی می‌کنند می‌تواند نکاتی را در بر داشته باشد.

کلمه یا ترکیب مورد نظر:

..... «حق»

ردیف	سوال مورد نظر	پاسخ
۱	<p>چه نوع کلمه‌ای است؟ چه وزنی و چه ریشه‌ای دارد؟ معنای آن وزن و معنای آن ریشه (روح معنایی) چیست؟^۱</p> <p>سپس پاسخ به سوال زیر: چه روح معنایی، با استفاده از چه نوع کلمه و وزنی، چه حالت معنایی خاصی گرفته است؟</p> <p>(..... ← روح معنایی است برای ←.....)</p> <p>(..... ← زیر مجموعه‌ای است از ←.....)</p>	<p>حق ← مشتق از ریشه ← ح ق ق ریشه ح ق ق ← دارای روح معنایی ← «استحکام و استواری» و «مطابقت»</p> <p>حق ← مصدری دارای معنای ← تاکید و عمق</p> <p>حق ← زیر مجموعه‌ای است از ← مفهوم واقعیت</p>
۲	<p>از چه جنسی است؟</p> <p>(مادی، زیستی، ذهنی، احساسی و قلبی، رفتاری و مهارتی، ربطی، اعتباری، فرآیندی، ملکوتی، ترکیبی و...)</p> <p>(..... ← عضو است از)</p> <p>(..... ← دارای مصداق است.)</p> <p>یا (..... ← مصداقی است از)</p>	<p>حق ← از جنس ← وجود است</p> <p>حق ← عضوی است از ← مراتب وجود</p> <p>حق ← دارای مصداق اعتباری ← «ارزش» است</p> <p>حق ← دارای مصداق ذهنی و مفهومی ← «صدق» است.</p> <p>حق ← دارای مصداق رفتاری ← «عدل» است.</p> <p>حق ← دارای مصداق احساسی و قلبی ← «صفات جمالی» و «سلامت قلبی» است.</p>

۲۰
قرآن پژوهی

عبدالحمید واسطی

۱. هر کدام از سوالات ذکر شده در سطور جدول، حاوی چندین برچسب مجزا هستند که به جهت اختصار در یک بسته ذکر شده‌اند.

<p>حق ← تشابه معنایی دارد با ← واقعیت، صدق، عدل نقطه تفاوت «واقعیت» با «حق» ← لحاظ براساس منشاء (واقعیت، منشاء حق است.) نقطه تفاوت «صدق» با «حق» ← لحاظ براساس مطابقت (صدق، مطابقت با حق است.) نقطه تفاوت «عدل» با «حق» ← لحاظ براساس عملکرد (عدل نتیجه عملکرد براساس حق است.)</p>	<p>مفاهیم مشابه و مترادف با آن کدامند؟ و نقطه تشابه کجاست؟ و نقطه فرق (فروق اللغات) کجاست؟ (..... مترادف است با) (..... نقطه تفاوت است با)</p>	<p>۳</p>
<p>حق ← تضاد و قابل معنایی دارد با ← باطل، دروغ، ظلم، فساد، هوای نفس</p>	<p>مفاهیم متضاد با آن کدامند و نقطه تضاد کجاست؟ (..... متضاد است با.....)</p>	<p>۴</p>
<p>«رشد» ← اثر و نتیجه‌ای نهایی برای ← حق است. «رشد» ← از جنس ← گسترش و تشدید وجودی است. «رشد» ← ظهور پیدا می‌کند و صورت‌بندی می‌شود در قالب ← علم (رشد ذهنی)، مدیریت احساس (رشد احساسی عاطفی)، واقع‌بینی و تصمیم‌گیری بهینه (رشد عقلانی)، ملکوت‌خواهی (رشد قلبی)، مسئولیت‌پذیری جمعی (رشد ترکیبی)، عبودیت و حب الله (رشد ترکیبی)</p>	<p>چه اثری ایجاد می‌کند؟ (هدف و علت غایی) (..... اثری است برای.....) اثر فوق چه جنسی دارد؟ (مادی، زیستی، ذهنی، احساسی و قلبی، رفتاری و مهارتی، ربطی، اعتباری، فرآیندی، ملکوتی، ترکیبی) اثر فوق، چه مراتب و ابعاد و خصوصیتی دارد؟ (شدت و ضعف، ظاهر و باطن، جهت، رتبه، ترتیب) (..... مرتبه‌ای است از) (..... ظهور و صورتی است از)</p>	<p>۵</p>

<p>وجود بی‌نهایت ← عامل اصلی و دائمی است برای ← به ظهور رسیدن «حق»</p> <p>برقراری ارتباط با وجود بی‌نهایت ← عامل اصلی و مادامی است برای ← ایجاد و بقاء حق</p>	<p>عامل به وجود آورنده مفهوم اصلی چیست؟ (علت فاعلی)</p> <p>آیا بعض‌العله است یا تمام‌العله؟</p> <p>آیا علت موقت است (قابل زائل شدن است؟) یا دائمی؟</p> <p>(..... علت است برای)</p>	۶
<p>«توجه به واقعیت» ← نقطه شروع است برای ← شکل‌گیری مفهوم «حق»</p>	<p>نقطه شروع تحقق مفهوم کجاست؟</p> <p>(..... نقطه شروع است برای)</p>	۷
<p>«توجه به خودبنیاد بودن و ثبات» ← مرحله دوم است برای ← شکل‌گیری مفهوم «حق»</p>	<p>مراحل تحقق مفهوم کدامند؟</p> <p>(..... مرحله دوم یا است برای)</p>	۸
<p>«حق» ← ناوابسته و مستقل است از ← زمان و مکان «اعمال حق» بر مصادیق ← وابسته است به زمان و مکانی ← که سبب ایجاد اثر <u>رشدی</u> آن بشود.</p>	<p>نسبت زمان و مکان با تحقق مفهوم مورد نظر یا نسبت زمان با ایجاد اثر آن چیست؟</p> <p>آیا مقید به زمان و مکان خاصی است؟</p> <p>(..... زمان خاصی است برای)</p> <p>(..... گذشته‌ای است برای)</p> <p>(..... آینده‌ای است برای)</p>	۹
<p>«حق» ← ناوابسته و مستقل است از ← کمیت «اعمال حق» بر مصادیق ← وابسته است به کمیت ی ← که سبب ایجاد اثر <u>رشدی</u> آن بشود.</p>	<p>نسبت کمیت با تحقق مفهوم مورد نظر چیست؟</p> <p>(..... اندازه‌ای است برای)</p>	۱۰

<p>«حق» ← دارای بُعد ← فردی، جمعی، بشری، تمدنی و ملکوتی است. «سلامت فردی» ← بُعدی است از ← اعمال حق «تعالد اجتماعی» ← بُعد جمعی است از ← اعمال حق «تمدن» ← بُعد و مقیاس کلان است از ← اعمال حق</p>	<p>چه ابعاد، زوایا، سطوح، لایه‌ها و مراتبی دارد؟ (..... بُعدی است برای) (..... لایه‌ای است برای)</p>	<p>۱۱</p>
<p>«آگاهی به نیازها» ← زمینه‌ساز است برای ← دست‌یابی به حق «آگاهی به هدف پدیده‌ها» ← زمینه‌ساز است برای ← دست‌یابی به حق «واقع‌بینی» ← شرط و قید است برای ← اعمال حق</p>	<p>زمینه و شرایط و امکانات لازم برای تحقق مفهوم مورد نظر کدامند؟ (..... زمینه‌ای است برای) (..... شرط و قید است برای)</p>	<p>۱۲</p>
<p>«توهّمات، سلبقه، دروغ، ظلم، خیانت و..» ← مانع است برای ← دست‌یابی به حق و اعمال حق «هوای نفس» ← از بین‌برنده است برای ← حق</p>	<p>موانع تحقق مفهوم مورد نظر کدامند؟ (..... مانعی است برای) شرایط از بین رفتن آن چیست؟ (..... از بین برنده و زائل‌کننده‌ای است برای.....)</p>	<p>۱۳</p>
<p>«حق‌بینی» ← اثر می‌گذارد در ← تحقق عدالت، در دست‌یابی به سعادت «حق» ← اثر می‌پذیرد از ← مراتب و درجات وجودی در پدیده‌ها «حق» ← هم‌نشین است با ← الله، ولایت، دین، قانون، حیات، عاقبت، میزان، قصص، هدایت، بشارت، وعده و... تشخیص نیازهای صادق ← ضریب اهمیت دارد برای ← دست‌یابی به حق</p>	<p>روابط آن با مفاهیم دیگر چگونه است؟ (..... اثر می‌گذارد در) (..... اثر می‌پذیرد از) (..... هم‌نشین است با) (..... ضریب اهمیت دارد برای)</p>	<p>۱۴</p>

۱۵	اصلی ترین عنصر، مؤلفه یا جزء تشکیل دهنده مفهوم مورد نظر چیست؟ (مرکز ثقل، هسته مرکزی) + (اولویت‌ها) (..... جزء اصلی است برای) (..... اولویتی است برای)	ارتباط با وجود بی نهایت ← هسته مرکزی است برای ← ظهور حق تشخیص نحوه ارتباط با موجود خودبنیاد ← اولویتی است برای ← فهم حق
۱۶	چه جایگزینی دارد؟ (..... جایگزینی است برای.....)	«صدق»، «عدل»، «واقع» ← جانشینی است برای ← حق
۱۷	چه مکملی دارد؟ با چه چیزهایی می تواند ترکیب شود؟ (..... مکملی است برای) (..... ترکیب می شود با)	حق ← ترکیب می شود با ← الله، الناس، دین، یوم، تقوا
۱۸	نیاز به چه ابزاری برای تحقق یا رسیدن به هدف دارد؟ (..... ابزار اجرایی است برای)	آگاهی از واقعیت‌ها (مانند دانش‌های هستی شناسانه) ← ابزاری است برای تحقق ← حق
۱۹	شاخص سنجش تحقق یا اثرگذاری آن چیست؟ (..... شاخصی است برای.....)	میزان احساس عدالت و صداقت و رفع نیازها ← شاخصی است برای سنجش تحقق «حق»
۲۰	چه می شود اگر نباشد؟ (..... تبعاتی است برای نبودن.....)	متلاشی شدن زندگی جمعی و شقاوت فردی ← تبعاتی است برای نبودن ← توجه به حق
۲۱	بودن آن چه مشکلات، هزینه، بار، زحمت، و... دارد یا ایجاد می کند؟ (..... مشکلی است برای)	تلاش برای تشخیص نیازهای صادق و آماده سازی امکانات برای رفع نیازها ← مشکل و زحمتی است برای ← تحقق «حق»
۲۲	چگونه تکامل پیدا می کند؟ (..... سبب تکامل است برای)	افزایش آگاهی از نیازهای صادق و مراتب رشد و افزایش مهارت برای عدالت‌ورزی ← سبب تکامل است برای ← اعمال حق

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن فارس، ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. اکبری راد، طیبه، «معناشناسی حق در قرآن کریم و روایات»، نامه الهیات، شماره ۱۱، ص ۸۷-۱۰۸، ۱۳۸۹.
۳. الین ژاکوب، ترجمه فاطمه شعاعی، «هستان شناسی ها و وب معنایی»، فصلنامه کتاب سال، ص ۱۸۹-۱۹۳، ۱۳۸۴.
۴. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۰.
۵. حمیدی زاده، محمدرضا، پویایی های سیستم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
۶. خندان، علی اصغر و همکار، «علامه طباطبایی و اصول هستی شناختی برگرفته از لفظ «حق» در قرآن کریم»، پژوهش های هستی شناختی، شماره ۱۴، ص ۱۰۵-۱۲۴، ۱۳۹۷.
۷. دوسوسور، ترجمه: کوروش صفوی، دوره زبان شناسی عمومی، طهران: نشر هرمس، ۱۳۷۸.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۹. ساسانی، فرهاد و همکار، «تحلیل مؤلفه های معنایی حق در قرآن کریم با بهره گیری از شیوة همنشینی و جانشینی»، جستارهای زبانی، شماره ۹، ص ۶۷-۸۴، ۱۳۹۱.
۱۰. سید خراسانی، راضیه سادات و همکار، «تحلیل رابطه حق در قرآن مجید بر پایه معناشناسی حق در قرآن و با تأکید بر معناشناسی ساختگرا»، پژوهش دینی، شماره ۳۹، ص ۱۱۳-۱۳۵، ۱۳۹۸.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۱۲. غضنفری، علی، «وجوه قرآنی حق در نظام آفرینش»، مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، ص ۱۱۱-۱۲۸، ۱۴۰۰.

۱۳. فتحی، علی و همکاران، «تقابل‌های معنایی حق در قرآن براساس معناشناسی ساخت‌گرا»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۶، ص ۱۷۵-۱۹۰، ۱۳۹۸.
۱۴. مختاری، قاسم و همکار، «جایگاه معنایی واژه «حق» در قرآن کریم با محوریت همنشینی واژگان»، پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، شماره ۷، ص ۸۱-۱۰۶، ۱۳۹۸.
۱۵. یزدانی احمدآبادی، طاهره و همکار، «پژوهشی پیرامون واژه «حق» در قرآن با تأکید بر آیه ۷۱ سوره رعد»، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی، ۱۳۹۷.

